

شرط اصلی هنر پیشگی

نزد سینماگران ما!

فرانز فایلدن آگاهی که فرانسویان در مقام کارگردانی
 کند زلفم آقای کارگردان معتقد بود که من میتوانم
 دهر پشینه معروفی شوم و حتی ادعا میکرد که اگر
 (سافل) و «واقع شناس» باشم انبوه‌سازترین
 سازه سیمای ایران هم بیشتر خراهم زدم. بظن من
 که در آثار و تجربه و شاعرت کامی ارواقیت
 بداشتم؛ همه چیز سادگی و در جهت موافق میلم پیش
 می‌زدم. اما زیاد طول نکشد که دعوت‌های بی‌دستی
 برای نااهل و شام زخرف آقای کارگردان شروع شد
 و بطور خلاصه آنکه بنده سیمایی من در گرو پذیرفتن
 این دعوت‌ها قرار گرفتم و معلوم بود که منظور از
 شام خوردن چگونه کیفیتی است. بقیه ماجرا خیلی
 ساده و کوتاه است. طبیعت من چنین معامله‌هایی را
 نمی‌پذیرفتم. زیرا فقط می‌خواستم «هنر پشینه» شوم
 نه چیز دیگری. بنابراین نمی‌چون من که استعداد
 پذیرش این قبیل دعوت‌ها را نداشتم. بطور قطع
 استعداد بازیگری هم نمی‌توانست داشته باشد و در
 نتیجه کنارم گذاشتند و به دیگران هم توصیه کردند

شماره ۹ سال ۱۳۶۰

رن جوانی که بدلیل بعضی از مهارت‌های غیر
 اخلاقی در رسوم درسیما او به علت اینکه من خواست
 من به پیشنهادهای تعدادی از سینماگران بلند ،
 تاگزیر از کاره‌گیری شد. در گفتگویی با یکی از
 حرم بخارا. برده از روی بعضی از «واقفیت‌های»
 موجود در کارهای من برداشته چنین گفت .
 «می‌توانیم و امتکش را داریم که سیمای خوبی
 داشته باشیم مشروط بر این که بعضی‌ها بگریز
 و عرصه «بلند» های جدید باشد و سیمای او چه
 امضا لیاقت و غیره بر ما نشان نکند. من می‌دانم که
 عنوان کردن بعضی از مسائل خیلی «سینماچی»
 های ما را تا راحت خواهد کرد و آنها هم چندان
 عکس العمل نشان خواهند داد. اما برای من مهم
 نیست زیرا همیشه آرزویم این بوده که زوزی‌امکان
 حرف زدن درباره واقفیت‌هایی را که خودم شاهدش
 بوده‌ام بمن بدهند. وقتی یکی از مدبرهای تهیه
 فیلم‌های فارسی پیشنهاد کرد وارد کار سینما بشوم .
 با توجه به حالتی پیش از حدی پذیرفتم و مدتی بعد طبق

که «طرف» نسایم شدنی نیست، دهاش کنیده...
(کیهان شماره ۹۵۶۱)

مکتب اسلام:

چنین است که هر ساله تعداد زیادی از دختران جوان وی تجربه به سه امید «ستاره شدن» و «درخشیدن» و «پولساز» شدن و «براه» رسیدن به زندگی پرزرق و برق بعضی از دست‌های خردی و بسوی سیاه‌کشانده می‌شوند ولی در قدم اول در کام فساد و تباہی سینما و سینماچی‌ها فرو می‌روند و مثل توب فریال از این دست به آن دست پاس داده‌می‌شوند و وقتی بخورد می‌آیند که وجه المصلحه امیال و غیره‌های بعضی از تهیه کنندگان واقع شده‌اند و برای بازگشت آنان حلی دور شده است. محصول چنین سینمایی ناگفته پیدا است: بدآموزی، هرزگی، بی‌عفتی، جنایت، وی شرمنی. و تا در این باشه می‌چرخد. محصولی جرایم نخواهد داشت.

بدون شرح:

مایا «هرزگی» منتقدن شیئی شوئیم

برنامه‌های تلویزیونی و مخصوص برنامه‌های وطنی، دیگر شورش را در آورده‌اند. نمونه بارزش همین شوه‌های تلویزیونی است. مدنی است از شرخنده‌های ملوس و نمکین یک اصطلاح «شومن» راحت بودیم ولی انگار این شومن‌ها خیال دارند دست بیکی کرده و پدرچشم و گوش و عقل و هوش و فکر ما را در آورند.

بعد از آن خنده‌های بی‌معنی، حالا چشمان باید

مکتب اسلام

به ابتکارات عجیب و غریب آقای شومن روشن شود این بار علنا و با پروتی تمام بر نامه‌ها و مسابقات خارجی‌ها را با خورد ملت میده و مستقیماً افکار خارجی را در مغزها بکنجانند.

مثلاً دو خانم را می‌آورد، چشمه‌هاشان را می‌برد و بعد آقای خیلی مشهوری را که اکثر اقبال خودشان «بلندقد و خوشگل» هستند به صحنه می‌آورد بعد خانم‌ها باید چشم بسته به شوهریانی که پیدا کنند آنگاه در حضور پدر و مادر و خانواده خود این برنامه گویا در معالک ادیبانی اجرا شده و مورد توجه شدید آقای شومن قرار گرفته است.

شما را بخدا این هم شد برنامه؟ غیر از وقت گذرانی و تزیین افکار بر حرف به مردم چه میده؟ از آن گذشته مثل اینکه در اروپا علم مسائل جنسی هم خیلی رایج است و آقای و شومن «تعمیم گرفته هر جور شده این چیزها را هم بین مردم پخش و پخش می‌کنند و از طریق شوکتانی و امکانات وسیع و دست و دلبازهای تو بیرون، آرا بعنوان راه و رسم تمدن ماشینی به مردم هدیه کند.

آید خیال می‌کند با این کار... ما را تشنه خواهد کرد. اگر این هرزگیها و یاوه سرانجام تمدن است ما بخواهیم! حواس آقای شومن این تمدن را در جهان کشورهای رواج دهد که درس‌های اولدگی و هرزگی دارد آنجا آموخته‌اند!

اطلاعات شماره ۱۷۷۲۶



آقای ع - لطفاً آدرس خود را برای ما بنویسید تا پاسخ جامعی برای شما ارسال داریم